

همگامیهای برنامه توسعه

و برنامه ملی تحقیقات*

دکتر حسن حبیبی

توجه داشت که: اولاً پژوهش به معنی تام و تمام کلمه تعریف و تبیین شود و فرق اساسی و بنیادین آن با تتبع و جمع آوری اطلاعات، هر چند سخت کوشانه و موشکافانه و دقیق، روشن گردد. ثانیاً نتیجه تحقیق الزاماً باید به ابداع و اختراع و ابتکار راهی نو و تازه بیانجامد و مسأله‌ای را که تاکنون حل نشده بوده است حل کند و یا گامی در حل مسأله فرapیش نهد و یا حداقل مارا به این نتیجه برساند که تا فراهم آمدن وسایل و ابزار خاص - که فعلاً در دسترس نیست - و یا تا پیدا شدن عوامل و شرایط مخصوص، نباید انتظار حل شدن مسأله را داشت و بنابراین باید نخست در اندیشه فراهم آوردن وسائل و ابزار و یا ایجاد عوامل و شرایط ویژه بود.

در گزارشهای ملی تحقیقات منتشره از سوی شورای پژوهشهای علمی کشور، مسأله ارتباط جدی تحقیقات و برنامه توسعه جامع الاطراف کشور مطرح گردید. خصوصاً طرح برنامه توسعه همه جانبه کشور در چشم انداز سال 1400 و به بیان دیگر «ایران 1400»، لزوم ارتباط حساب شده و اندیشیده دو امر پژوهش و توسعه پایدار و همه جانبه را بیش از پیش نمودار ساخت.

در اینجا، به چند نکته اساسی در خصوص همگامیهای برنامه توسعه و برنامه ملی تحقیقات اشاره می شود:

1- بحث درباره اهمیت و سهم و اثر پژوهش در توسعه نباید پایان یافته تلقی شود و تعیین جایگاهی مناسب و شایسته برای تحقیقات بایسته است. البته در این زمینه باید به این نکته اساسی

2- برنامه توسعه کشور در چشم انداز 1400 نیز با توجه به امکانات موجود و در عین حال با توجه به امکان و عدم امکان فراهم ساختن امکانات جدید باید تدوین گردد.

روشن است که این برنامه تابعی از متغیر پیشرفت تحقیقات خواهد بود یعنی هر قدر اطلاعات، توسط تحقیقات، کامل شوند برنامه توسعه به مرحله تحقق نزدیک خواهد شد. در واقع پیش نویس برنامه توسعه، پیش نویسی از خواسته ها و الزامات توسعه کشور است که با توجه به امکانات بالقوه و بالفعل به گونه ای کلی و گهگاه مبهم، توسط برنامه ریزان احساس و سپس ادراک می شود و با بررسی عملی بودن فصل تحقیقات همان برنامه توسعه، شکل نیمه نهایی و سپس نهائی به خود می گیرد. به گونه ای که برنامه نهایی توسعه، همراه و همعنان با برنامه نهایی تحقیقات می شود و با هم در برنامه توسعه درج خواهند شد.

3- برنامه توسعه و به تبع آن و همعنان و همراه و گهگاه پیشاپیش آن برنامه تحقیقات باید متوجه تجدید حیات

و در معنای دیگر شکوفا کردن تمدن و فرهنگ اسلامی باشند.

4- در تحقیقات مرتبط با آرمان و فرهنگ و تمدن ما چند نکته به طور خاص باید مورد توجه قرار گیرند:

الف) آنچه با استقلال کشور، از همه جهات اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و رابطه مستقیم دارد.

ب) آنچه ما را از دشمنان و دشمنان دوست نما بی نیاز می کند.

ج) آنچه زمینه های عقب ماندگی را در آینده از میان می برد و راه توسعه پایدار و جامع الاطراف را با توجه به آرمان اسلامی ما هموار می سازد.

د) آنچه جمعی از کشورها را همکار و یا نیازمند ما می سازد.

5- روشن است که فصل تحقیقات چنین برنامه ای باید متوجه رشته های نو و پیش بینی رشته های آینده باشد. شناسایی و پیش بینی در مورد رشته های نو، شرط اصلی و اساسی توسعه تحقیقات و توسعه به معنی عام در آینده است. ایران اسلامی نمی تواند و نباید در تحقیقات دنباله رو باشد. در واقع اگر ایران اسلامی بخواهد سخن تازه ای

داشته باشد لزوماً باید در تحقیقات پیشرو باشد.

6- در خصوص امکانات و تجهیزات و وسایل و ابزار باید کوشش کرد به گونه‌ای در اولویتها نگریسته شود که:

الف) آنچه امکانات مادی کمتر می‌خواهد و بیشتر با فکر و مغز و تواناییهای انسانی مربوط می‌شود در مرحله اول قرار گیرد. توجه به این امر موجب می‌شود که ابزار گرایی که تا حد زیادی بر ذهن و فکر محققان خصوصاً محققان جوان و به ویژه تحصیل کردگان در خارج مسلط شده است، اندکی رنگ ببازد و دیگر بار مقام و موقع انسانی و فکر و ذهن بیش از این دوره مورد عنایت واقع شود.

ب) به وسایل و امکاناتی نیاز باشد که بتوان آنها را در داخل کشور ساخت و فراهم آورد و به خصوص وسایل و ابزاری توجه شود که با تحریم و دیگر بازیهای سیاسی کمتر روبه رو باشند و یا رو به رو شوند.

ج) باید راه‌های استفاده از وسایل و ابزار ساده تر را یافت (که خود موضوع تحقیقی پرمایه و وسیع است).

7- در مورد نیروی انسانی

الف) باید نیروی انسانی موجود یعنی محققان - با توجه به اولویتهایی که تعیین می‌شوند - شناسای شوند و در مواردی که به بازآموزی نیاز است برنامه بازآموزی تدوین گردد.

ب) نیروی انسانی در حال تحصیل با توجه به اولویتهایی که معین شده اند در صورت لزوم تغییر مسیر بدهند و یا در برنامه درسی آنها مواد درسی تازه اضافه و احتمالاً برخی مواد حذف شوند.

ج) از نیروی انسانی معتقد به این راه و رسم که در خارج از کشورند باید دعوت به کار کرد. شاید علت عدم جذب گروهی از محققان خارج این باشد که محل دقیقی برای تحقیق و فعالیت آنها معین نبوده است و ما هم نمی‌دانستیم که چگونه و در کجا می‌توان از این گروه استفاده کرد.

8- شایسته است که برنامه مؤسسات پژوهشی و دانشگاههای ما به دو دسته تقسیم شوند:

الف) در یک بخش به کارها و تحقیقات توسعه ای و کاربردی پردازند.

ب) در بخش دیگر نیز به تحقیقات پایه
بپردازند. در این بخش به نظر می‌رسد
که با توجه به امکانات موجود راهی جز
این نباشد که امکانات تحقیقاتی (وسایل
و ابزار و نیروی انسانی) این گروه
مجتمع شوند تا فایده بخش باشند.

9- سازمان برنامه و شورای
پژوهشهای علمی کشور باید همکاری
نزدیک داشته باشند تا سهم تحقیق هر
دستگاه با توجه به پژوهشهایی که بر
مبنای اولویتها به انجام می‌رساند با
دقت و صداقت و عدالت معین شود.

10- باید یک دستگاه نظارتی قوی به
وجود آید و پیشرفت کارها را ببیند و بر
اساس آن هم درباره اولویتهای معین
شده و دور شدن و نزدیک شدن آنها به
هدفها نظر بدهد و هم با توجه به کارهای
انجام یافته برای اعتبارات سال بعد
پیشنهاد بدهد.

11- نکته مهم دیگر و شاید مهمترین
نکته، تدوین یک برنامه ملی تحقیقات با
توجه به برنامه توسعه اقتصادی،
اجتماعی، فرهنگی کشور و به طور کلی
برنامه توسعه همه جانبه «ایران 1400»
است. این برنامه که پایه و اساس آن در

بودجه کل کشور سال 76 از طرف دولت
پیشنهاد شده است. خط مش اصولی و
اساسی تحقیقات را برای سالهای آینده
روشن می‌کند. مبانی فکری این طرز
تلقی در سخنرانی این جانب در جلسه
عمومی شورای پژوهشهای علمی کشور
(75/4/11) مطرح گردید و سپس در
شورای پژوهشهای علمی و کمیسیونها
و کمیته های آن مورد بحث و بررسی
قرار گرفت و سرانجام در لایحه بودجه
سال 76 در هیأت دولت تصویب و به
مجلس تقدیم گردید. چنانچه این برنامه
به طور دقیق و حساب شده و منظم در
طول چند سال پیگیری و اجرا شود،
قسمت اعظم نزدیک به تمامی تحقیقات را
می‌توان در این جهت قرار داد. تحقیقات
در این معنی هم کاربردی و هم توسعه
ای و هم بنیادی است و اگر درست
برنامه ریزی کنیم باید بخش قابل
توجهی از آن جنبه بنیادی داشته باشد تا
بتواند پاسخگوی نیازهای دراز مدت
توسعه پایدار همه جانبه کشور باشد.

12- به نظر می‌رسد که هنگام آن
رسیده است که با دانشسگاهها و مراکز
تحقیقاتی دیگر کشورها و بویژه

دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشورهای همجوار و نیز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، همکاریهای مفیدی در زمینه تحقیقات آغاز شود. زمینه های مشترک که مورد نیاز چند کشور منطقه باشد کم نیستند و چه بهتر که توانایی عملی و امکانات مادی به جای آنکه به طور پراکنده و چند بار برای یک هدف و برنامه تعریف شده به کار روند، در یک برنامه جامع و با تقسیم کار درست و به قاعده به کار گرفته شوند. بدین ترتیب زودتر و در بسیاری از موارد بهتر می توان به مقصد رسید.

بی شک گزارش ملی تحقیقات سال 1376، نخستین ارزیابی را از اجرای برنامه ملی تحقیقات کشور به دست خواهد داد و شاید مناسب باشد که در گزارشهای ملی تحقیقات سالهای 1374 و 1375 و به چند نکته جدید از جمله چگونگی برخورد مراکز تحقیقات با مسائل مربوط به امکانات مادی و تواناییهای انسانی و نفی ابزارگرایی و

ساخت داخل وسایل و ابزار و بهره گیری از ابزارهای ساده تر (مذکور در بند 6 این یادداشت) و نیز موارد مذکور در بند 4 توجه شود و همچنین به اولویتهای تحقیقاتی که از مدتی پیش در زمینه تحقیقات مطرح شده است، پرداخته شود و میزان دوری و نزدیکی تحقیقات در جریان را با «اولیتهای» تعیین نماید و نشان دهد که تا چه حد تحقیقات به اولویتهای که در واقع نیازمندیهای اطلاعاتی کشور اند توجه کرده اند. این بررسی راه را برای اجرای برنامه ملی تحقیقات کشور هموار می کند و نیز تجربه ای برای چگونگی ارزیابی تحقیقاتی خواهد بود که در چارچوب این برنامه ملی به انجام می رسند.

یادداشت:

* برگرفته از مقدمه دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهشهای علمی کشور، در گزارش ملی تحقیقات سال 1373.